



دانشگاه فنی و حرفه‌ای

دانشکده زینب کبری همدان

گروه گرافیک

# طراحی تحلیلی

مدرس: نگین پالیزبان

نیمسال ۹۸\_۹۹

## بسمه تعالی

با سلام و آرزوی سلامتی و سالی نیک برای دانشجویان عزیز

با توجه به دستور و بخشنامه ی ریاست محترم دانشگاه، مبنی بر آموزش مجازی دروس این نیمسال تحصیلی، مطالب درس طراحی تحلیلی به صورت فایل pdf خدمت شما ارائه میگردد. و بررسی تمرینات و پرسش و پاسخ، از طریق گروه مجازی در whatsapp انجام میگردد.

لطفا تمرینهای خود را در whatsapp به شماره ۰۹۱۸۵۴۳۵۰۶۵ ارسال نمایید.

موفق باشید

باتشکر

## مقدمه

نام این واحد درسی طراحی تحلیلی یا به تعبیری تجزیه و تحلیل آثار هنرهای تجسمی است. هدف از تجزیه و تحلیل آثار هنری این است که شما شناخت بهتر و کاملتری نسبت به هنرمند و اثر هنری پیدا کنید.

تجزیه و تحلیل آثار هنری یک علم ضروری و لازم برای درک مخاطبان از آثار هنری است و باعث میشود نقد مخاطبان از تعبیر شخصی دور شود و به حقیقت اثر نزدیکتر شود. و اگر نقد، تنها ریشه در احساسات فردی هنرمند داشته باشد نقدی کارآمد نخواهد بود.

اما تجزیه و تحلیل همانطور که میدانید با توجه به سلیقه ای بودن و فردیت در حیطه ی هنر، کار دشواریست. هنری که سرشار از احساس، سرشار از خلاقیت و لحظه ی هنرمند است، معیار سنجش ما را دشوار میکند. با این اوصاف چطور میتوانیم سنجش و معیار صحیح و دقیقی برای ارزیابی آثار هنری از گذشته های دور تا امروز داشته باشیم؟

منظور از تجزیه، همان تفسیر جزء به جزء عناصر و کیفیتهایی است که اثر از آنها شکل گرفته و ما با یاری این داده ها میتوانیم به نقاط ضعف و قوت و در کل، به ساختار آثار هنری هرچه بهتر واقف شویم.

زبان تصویر مانند زبانهای دیگر دارای مؤلفه هایی است که آنها را به عنوان مبانی هنرهای تجسمی میشناسیم. این مؤلفه ها شامل عناصر هنرهای تجسمی (نقطه - خط - سطح - حجم - بافت - رنگ و...) و کیفیتهای تصویری (ریتم - حرکت - توازن - تعادل - فضا - هارمونی - کنتراست - پاساژهای رنگی و...) است.

هنرمند تجسمی برای انتقال مفاهیم خود از این عناصر و کیفیتها بهره میگیرد تا تصویرش را ارائه بدهد. و ما نمیتوانیم بدون در نظر گرفتن و شناختن این مؤلفه ها به نقد و تجزیه و تحلیل قاعده مندی برسیم.

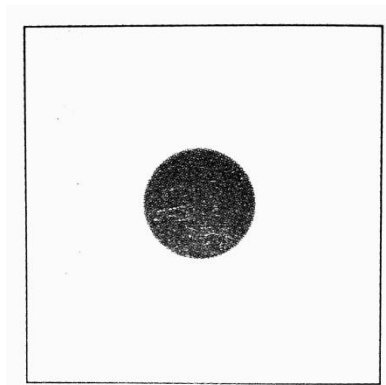
اهداف ما از ارائه ی این واحد درسی آشنایی، بررسی، تمرین و تجزیه و تحلیل در مورد این مؤلفه هاست تا در نتیجه ی آن بتوانیم نه تنها هنرمند توانا بلکه تحلیلگر و نقاد قابلی باشیم.

## فصل اول عناصر بصری

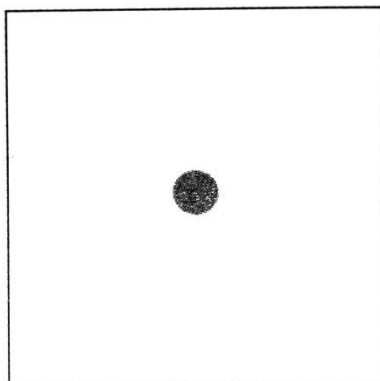
### نقطه

نقطه ساده ترین و تجزیه ناپذیرترین عنصر در ارتباط بصری است. نقطه حرکت ندارد و نشان دهنده ی سکون، سکوت و تمرکز است. در هنرهای تجسمی نقطه محصول اثر وسیله ی اثرگذار (مداد، قلم و مانند آن) بر صفحه ی کار است. در طبیعت، دانه های شن، قطرات باران، ستارگان، برگ درختان و... همه، اشکال مختلف نقطه اند. در پایان جمله برای نشان دادن سکونش نقطه میگذاریم. توهم نقطه به صورت منفی نیز ایجاد میشود، یعنی نقطه از تقاطع دو یا چند خط یا از فاصله ی بین سرهای دو یا چند خط بوجود می آید. هویت نقطه با تمرکز روی آن بیشتر آشکار میشود. نقطه همیشه مردد است که در سطح تصویر بماند یا از آن بیرون برود، یعنی با نزدیکی به یکی از کناره های تصویر تمایل به خروج از آن افزایش می یابد و هرچه به مرکز تصویر نزدیکتر شود، بیشتر تمایل به سکون دارد. نقطه وارد هر فضایی شود خودش را میان سایر فرمها تحمیل و عرضه میکند. هر شکل یا حجم مشخص را مانند مثلث، مربع، لکه، بشقاب و ... صرف نظر از بزرگی و کوچکیش در فاصله ای معین میتوان یک نقطه محسوب کرد.

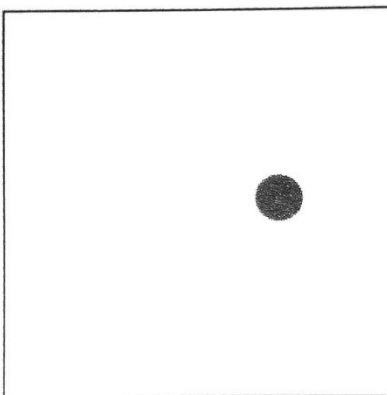
در تصاویر زیر نمونه هایی از کاربرد نقطه و کیفیتهایی که میتوان با نقاط مختلف ایجاد کرد میبینیم:



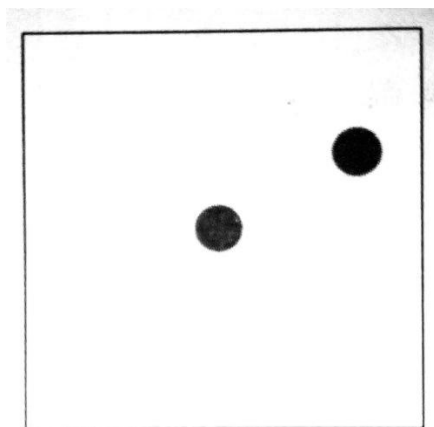
وقتی نقطه ای وارد فضایی میشود، فوراً با فضای اطراف خود کنشی برقرار میسازد. مهمترین عامل در جلب نظر شدن این نقطه ابتدا تناسب آن با فضای پیرامونش و بعد از آن رابطه ی موقعیتش با لبه های این فضا (کادر) است.



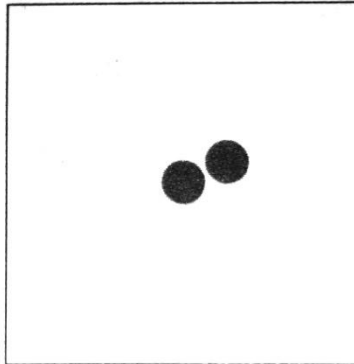
این نقطه فضا را به صورت خنثی تقسیم کرده است، سبک است و متعادل



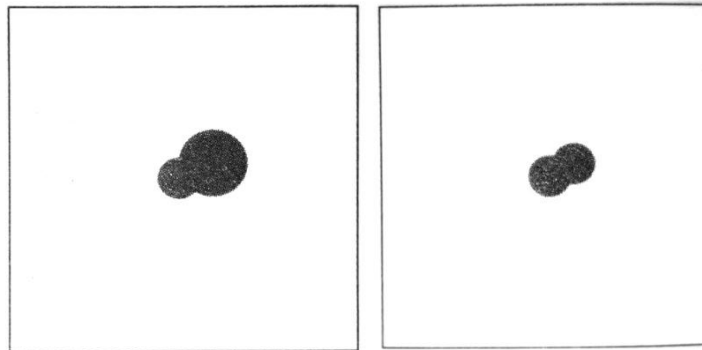
اما اگر از مرکز به اطراف حرکت کند، ممکن است تفاوت محسوسی بین مناطق فضای صفحه ایجاد کند. نقطه ی واقع در مرکز، ثابت، ساکن و ایستا دیده میشود اما بر فضای اطراف خود مسلط است. وقتی از مرکز صفحه جابجا شود، این تسلط بر زمینه منتقل میشود و فضا را به تکاپو و جنبش درمی آورد.



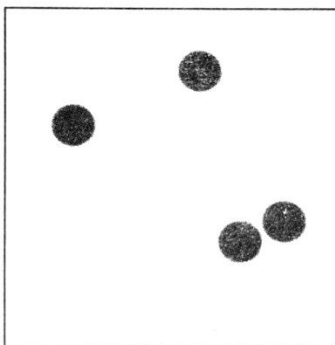
ورود نقطه ی دوم، توجه را از روابط فضایی به تعامل و واکنش بین این دو نقطه میکشاند. آنها به هم اشاره میکنند و فاصله ی آن دو ساختار و مسیری نادیدنی میسازد که فضا را تقسیم میکند.



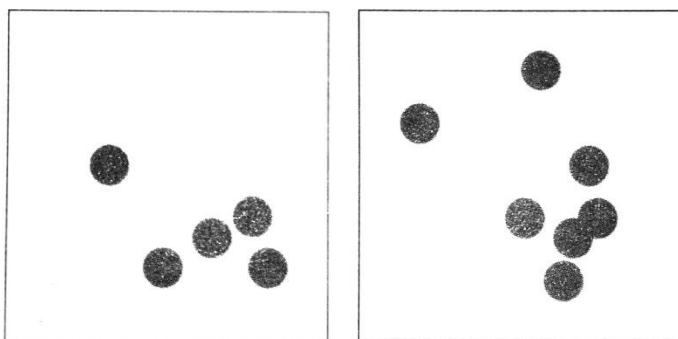
وقتی نقطه ها به هم میرسند، تنش بین آنها افزایش می یابد. اگر فضای بین نقطه ها تقریبا به هیچ برسد، این فضا از خود نقطه ها مهمتر میشود، حتی مهمتر از ارتباط فاصله ی فضایی شان با یکدیگر.



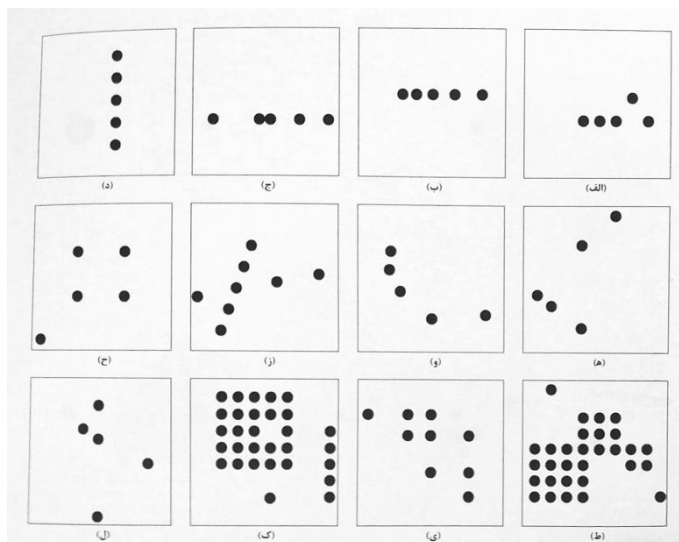
اگر نقطه ها روی هم قرار بگیرند، به خصوص اگر اندازه هایشان متفاوت باشد، از تنش ایجاد شده از این نزدیکی، اندکی کاسته میشود. به هر حال تنش جدیدی مشاهده میشود که حاصل تضاد بین تخت بودن فرمهای گرافیکی (نقطه ها) و توهم عمق سه بعدی ناشی از روی هم افتادن آنهاست که به دلیل نحوه ی قرارگیری نقطه ها در نقش پیش زمینه و پس زمینه بوجود آمده است.



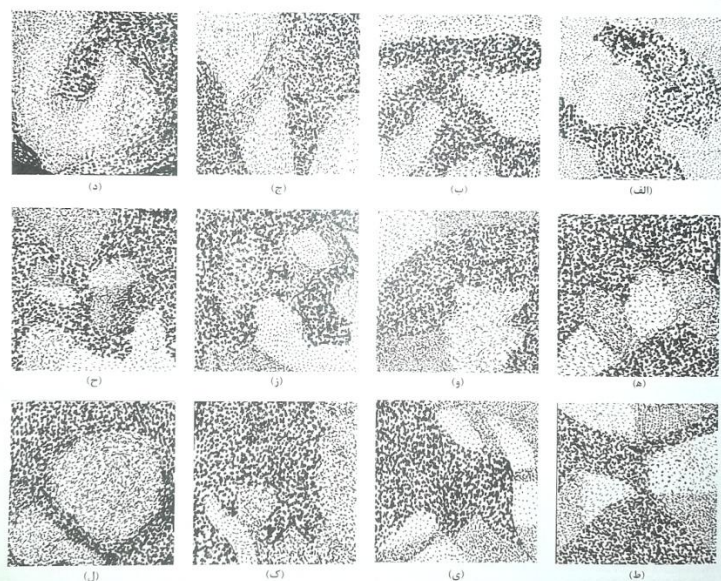
احساس قدرتمندی برای یکی دیده شدن نقطه های نزدیک به هم وجود دارد و هر چه بیشتر از هم فاصله بگیرند، حس ساخت خطوط و مسیرهای نادیدنی بین آنها، برجسته تر میشود.



به هر حال با افزایش نقاط مجاور آن جفت نقطه، یکدستی و اتحاد آنها کاهش می یابد و توجه بر رابطه ی متقابلشان افزوده میشود، که پس از آن تصویری (حسی) از نظم یا معنا تولید میکنند، بر این مبنا که مثلا فاصله ی نقطه ها از هم چقدر است؟ آیا هر نقطه همان فاصله را از همجنس خود دارد؟ چه ترکیب و ساختاری با هم ساخته اند و چه نقاطی به این شکل ارتباط می یابد؟



ترکیب نقاط با همدیگر ممکن است باعث تنوع بیشماری از ردیف و چینش و پیچیدگی شود، از جمله ردیفهای افقی و عمودی، ردیفهای چرخنده و منحنی، نقطه‌ی متضاد با گروه، افزایش تصاعدی فواصل، صفهای منظم ایجاد شده در یک ساختار شبکه‌ای، نقاط هندسی و زاویه دار، نقوش منحنی و...



تجمع نقطه به صورت انتزاعی و آزاد، برای ساخت ترکیب بندیهای متوازن، یکی از برنامه‌های آموزشی برای فراگیری ترکیب بندیهای حسی، با استفاده از عناصر اولیه و ساده (نقطه) است.

تمرین



- ۱- بر اساس تصاویر روابط نقطه در کادر، تصویر اشکال واقعی (مانند انسان، حیوان، توپ و...) را جایگزین آن نقاط کنید و آنها را مطالعه کنید.
- ۲- با توجه به تصویر تجمع نقطه، به صورت انتزاعی ترکیب بندیهای متوازن در ابعاد  $3 \times 3$  سانتیمتر بسازید و در نهایت یکی از آنها را در قطع A4 اجرا کنید.